

بررسی مقصود از «ذَرِيَّة» و «الْفَلَکُ الْمَشْحُون» در آیه ۴۱ سوره یس *

□ کرم سیاوشی^۱
□ اسماعیل شعبانی کامران^۲

چکیده

آیه شریفه ﴿وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ (یس / ۴۱) از جمله آیات چالشی قرآن کریم است که در آن درباره مقصود از دو تعبیر «ذُرِّيَّتَهُمْ» و «الْفَلَکُ الْمَشْحُون» در میان مفسران و قرآن‌پژوهان اختلاف نظر است. برخی این دو تعبیر را به ماجرای طوفان حضرت نوح علیه السلام ارتباط داده و مقصود از «ذَرِيَّة» را «پدران» و مراد از «الْفَلَکُ الْمَشْحُون» را «کشتی حضرت نوح» دانسته‌اند. برخی نیز مقصود از ذَرِيَّة را بذر وجودبخش برای نسل به وجودآمده پس از طوفان حضرت نوح علیه السلام می‌دانند. برخی دیگر با الهام از سیاق آیات، مقصود از «ذَرِيَّة» را «بنی نوع بشر» و مراد از «الْفَلَکُ الْمَشْحُون» را مطلق نوع کشتی می‌دانند. نظریات متنوع دیگری نیز در این باب مطرح است. در این مقال با مراجعه به تفاسیر و با تأمل و تدبر در همه عوامل و بسترهای یاریگر در فهم آیات قرآن، بر

کرم
سیاوشی
اسماعیل
شعبانی
کامران



* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰.

۱. دانشیار دانشگاه بوعلی سینا - همدان (نویسنده مسئول) (karam.siyavoshi@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (shaebani.67@gmail.com).

این دیدگاه که مقصود از «ذَرِيَّة» «بنی آدم / نوع انسان» است و مراد از «الفلك المشحون» مطلق کشتی است، تأکید شده است.
واژگان کلیدی: ذَرِيَّة، الفلك المشحون، سورة يس، آیه ۴۱.

مقدمه

تفسیر و تبیین برخی آیات قرآن کریم به سبب اجمال و ایجاز یا تشابه تعابیر، آسان و سهل الوصول نیست. به همین جهت مفسران و مترجمان قرآن در ارتباط با این گونه آیات احساس دشواری کرده و دیدگاه‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند. آیه ۴۱ سورة يس یکی از این گونه آیات است. در این آیه در بادی نظر، داستان کشتی حضرت نوح علیه السلام جلوه گری می‌کند. البته استعمال واژه «ذَرِيَّة» به جای واژه «آباء»، این برداشت ظاهری را با ابهام و دشواری‌هایی مواجه نموده است. لذا چندین پرسش اساسی در این رابطه مطرح است:

۱. آیا این آیه - به راستی و استواری - به ماجرای کشتی حضرت نوح علیه السلام اشاره دارد؟
۲. اگر چنین است، چرا به جای اشاره به «آباء» به ذکر «ذَرِيَّة» پرداخته است؟
۳. اگر این آیه به طوفان حضرت نوح علیه السلام مرتبط نیست، مقصود از «ذَرِيَّة» و «الفلك المشحون» در آن چیست؟

نگارندگان این مقال در صدد یافتن پاسخ این پرسش‌ها و دیگر پرسش‌های ضمنی مرتبط با موضوع هستند.

لازم به ذکر است که درباره این آیه تا کنون پژوهش مستقلی ارائه نگردیده و صرفاً مفسران قرآن در ذیل آیه مورد بحث، دیدگاه خویش را مطرح یا به دیدگاه‌های مختلف اشاره نموده‌اند. لذا انجام این پژوهش ضروری می‌نماید.

برای روشن‌تر شدن فضای بحث، ذکر آیات پیرامونی آیه مورد بحث از نظر می‌گذرد:

﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ * أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَهُمْ لَا يَزُجُّونَ * وَإِنْ كُلُّ لُجَّاجٍ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ * وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ * وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ * لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ * سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ * وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ * وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ هَذَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدْرَ نَازَةٍ مَنَازِلَ حَتَّىٰ

عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ * لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ * وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكَ الْمَشْحُونِ * وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ * وَإِنْ نَشَاءُ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿بِس/ ۳۰-۴۳﴾.

اشاره

هر یک از مفسران و مترجمان قرآن به فراخور برداشت تفسیری خود از آیه مذکور، مصداقی از واژه «ذَرِيَّتَهُمْ» و تعبیر «الْفَلَكَ الْمَشْحُون» ارائه نموده‌اند. ابتدا به ارائه گزارشی از بیان مفسران در تفسیر این آیه می‌پردازیم. آنگاه دیدگاه مترجمان قرآن را بازگو می‌نماییم، گرچه نظریات مترجمان نیز ناشی از بینش تفسیری است.

الف) مقصود از «ذَرِيَّة»

در ارتباط با مقصود از «ذَرِيَّتَهُمْ» دیدگاه‌های ذیل مطرح شده است:

۱. پدران و نیاکان

مقصود از «ذَرِيَّة» پدران است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۶۶/۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۲۲۳/۸؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲۴/۶). بر اساس این دیدگاه، «ذَرِيَّة» از «ذَرَاء» به معنای «خَلَقَ» است و چون «اولاد» از «آباء» خلق می‌شوند، لذا به اعتبار آنکه ایشان اصل خلقت اولادند، مقصود از «ذَرِيَّة» کسانی هستند که خداوند آن‌ها را در کشتی (حضرت نوح علیه السلام) حمل نمود (گنابادی، ۱۴۰۸: ۲۸۸/۳-۲۸۹؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸۱/۱۱). علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه «إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (حاقه/ ۱۱) گوید: این آیه اشاره به طوفان نوح دارد و کلمه «جاریه» به معنای کشتی است و در این آیه، خطاب متوجه افرادی است که در کشتی نوح سوار بودند و در حقیقت خطاب به عموم بشر است؛ زیرا نیاکانشان همان‌ها بودند که به وسیله کشتی نوح از غرق شدن نجات یافتند، چون این اخلاف و آن اسلاف یک نوع‌اند و می‌توان حال بعضی از آنان را به همه نسبت داد (۱۳۸۲: ۳۹۴/۱۹).

۲. فرزندان

مقصود از «ذَرِيَّة» فرزندان است (خطیب، ۱۳۸۸: ۹۳۶/۱۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۸۱/۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۲۱/۶). معتقدان به این دیدگاه، آیه بعد را قرینه می‌گیرند؛ زیرا گرچه

مَرَكِبٍ: ﴿وَخَلَقْنَاهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَائِرَ كَبُونَ﴾ (یس / ۴۲)، برای عموم بشر اعم از پدران و فرزندان و... نعمت به شمار می‌آید، لکن برای فرزندان کم‌سن و خردسالان ارزشمندتر است؛ چرا که آن‌ها قدرت و توان بزرگسالان را ندارند، لذا به آن مَرَكِبٍ محتاج‌ترند. نیز این تعبیر برای تحریک عواطف آن‌ها مناسب‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۴-۳۹۵؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۶/۲۸۵).

۳. پدران و فرزندان

مقصود از «ذَرِیَّتِهِمْ» در آیه مورد بحث، خلق کثیری از پدران و اولاد است (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۱/۳۵). صاحب مجمع‌البیان معتقد است که این واژه گاهی بر پدران و فرزندان با هم اطلاق می‌شود؛ چه، پدران هم مانند فرزندان از نسل نیاکان پیشین هستند. بیان طبرسی در این باره چنین است:

﴿أَتَاخَلَّتْ ذَرِیَّتُهُمْ﴾ یعنی البته ما حمل کردیم پدران و نیاکان ایشان را، آن‌هایی را که این گروه از نسل ایشان‌اند. ﴿فِي الْقُلُوبِ الْمُتَّخُونَ﴾ ضحاک و قتاده و جمعی از مفسران گویند: مراد کشتی نوح است که پر از مردم و نیازمندی‌های سرنشینان آنان بود و پس از آنکه از غرق شدن نجات یافتند از ایشان انسان‌های بسیاری به وجود آمد. اما پدران را «ذَرِیَّة» نامید از «ذَرء» به معنای آفریدن، برای آنکه اولاد از ایشان خلق شده‌اند. اما اولاد را «ذَرِیَّة» نامید، برای آنکه از پدران به وجود آمده‌اند... ﴿وَخَلَقْنَاهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَائِرَ كَبُونَ﴾ ابن عباس و غیر او گویند: یعنی و آفریدیم برای ایشان مثل کشتی نوح، کشتی‌هایی که بر آن سوار شوند، چنانچه نوح سوار شد؛ یعنی کشتی‌هایی که بعد از کشتی نوح ساخته شد، مثل آن و بر صورت و شکل آن بود. مجاهد گوید: مقصود از ﴿مِنْ مِثْلِهِ﴾ شتر است و آن کشتی خشکی و صحراست. جبائی گوید: مثل کشتی از جنبه‌ها مانند شتر و گاو و الاغ (۱۳۷۲: ۸/۶۶۶-۶۶۷).

البته واژه «ذَرِیَّة» در برخی آیات، هم بر پدران و هم بر فرزندان اطلاق شده است، مانند:

﴿إِنَّ اللَّهَ اضْطَقَّ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ *ذَرِیَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ﴾ (آل عمران/ ۳۳-۳۴).

به عبارتی این واژه از اضداد است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۳۸۷؛ مقدسی دمشقی، بی‌تا: ۳۴۳).

۴. فرزندان و زنان

برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود از «ذَرِيَّة» فرزندان و زنان است که حمل آن‌ها برای مردم (پدران) مهم است؛ چرا که ذَرِيَّة به زنان نیز اطلاق می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸/۴).

و گفته شده که مقصود از «ذَرِيَّة» کودکان و زنان هستند و منظور از «قُلُوك» کشتی‌های روان در دریاهاست. اگر ذَرِيَّة را به سوار شدن در کشتی مختص کرده، به خاطر ضعف و نیازی است که به صورت طبیعی در آن‌ها وجود دارد؛ چه آن‌ها مانند مردان توانایی سفر ندارند، لذا خداوند کشتی‌ها را برای آن‌ها قرار داده تا بتوانند در دریا سفر کنند و شتر را نیز برای آن‌ها مسخر نموده تا با آن در خشکی سفر کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۶۶/۸).

به عبارتی مقصود از کشتی، کشتی‌هایی هستند که در دریا حرکت می‌کنند و امتنان و منت نهادن به سبب حمل ذَرِيَّة و زنان بدان جهت است که آن‌ها ضعیف‌اند و قدرت بر حرکت و سیر در دریا را ندارند؛ چنان که در خشکی هم نمی‌توانند پیاده سیر کنند. شاهد این مطلب سخن خدای تعالی است که فرمود: «وَخَلَقْنَاهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ» (یس/ ۴۲)؛ یعنی مانند کشتی، جنبندگان آفریدیم که این ضعفا (فرزندان و زنان) بر آن سوار شوند و در خشکی نیز جابه‌جا شدن برای آنان آسان گردد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۸۱/۲-۲۸۲). نکته اینکه پیروان این دیدگاه، آیه مورد بحث را به طوفان حضرت نوح علیه السلام مرتبط ندانسته‌اند.

۵. افراد موجود در صُلب پدران در کشتی نوح علیه السلام

معتقدان به این دیدگاه بر خلاف دیدگاه پیشین، مقصود از «الْفَلَكَ الْمَشْحُون» را کشتی نوح علیه السلام می‌دانند و بر آن‌اند که مراد از ذریه‌ای که خداوند در کشتی نوح علیه السلام حمل نموده، ذریه‌هایی هستند که در اصلااب پدران در کشتی نوح علیه السلام حمل شدند و به این وسیله خداوند نوع بشر را از خطر انقراض حفظ نمود. به عبارت دیگر، گرچه خدای تعالی، پدران را در کشتی نوح علیه السلام حمل نمود، این امر در حالی صورت گرفت که ذریه نیز در اصلااب آن‌ها بوده است. بر این اساس هرچند خداوند هم پدران و هم ذریه

موجود در اصلاّب آن‌ها را همزمان در کشتی حمل نمود،^۱ تخصیص حمل به ذریه در آیه مورد بحث، به جهت ابلیغیت آن در امتنان است و لذا استعمال آن مجازی است (بلخی، ۱۴۲۳: ۵۸۰/۳؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲۴/۶؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۱۹/۵؛ تقفّی تهرانی، ۱۳۸۹: ۴۱۰/۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۶۷/۲۵؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸۱/۱۱).

این دیدگاه با اندکی تفاوت به امام علی‌علیه السلام نیز نسبت داده شده است. کلام امام بنا به نقل قرطبی از ماوردی چنین است:
... مقصود از «ذریّة» در «الفلك المشحون»، همان نطفه‌هایی است که در بطون زنان داخل کشتی بوده است (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۵/۱۵).

در صورتی که نسبت این سخن به امام علی‌علیه السلام درست باشد، مقصود از «الفلك المشحون» کشتی حضرت نوح‌علیه السلام است و «ذریّة» علاوه بر حضرت نوح‌علیه السلام و فرزندان و نوادگان و مؤمنان همراه وی، نطفه‌های آنان را نیز که نسل به نسل منتقل شده و انسان‌های پسین را پدید آورده است، در بر می‌گیرد. گویانکه این معنا در آیه «وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ» (صافات/ ۷۷) نیز که نسل حضرت نوح‌علیه السلام را به عنوان نسلی ماندگار معرفی کرده است، مطرح است.

بر اساس این برداشت، واژه «ذریّة» در آیه مورد بحث با همین واژه در آیه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا...» (اعراف/ ۱۷۲) متناسب خواهد بود و بدین‌سان مسائله و گفتگویی که در این آیه با ظهور ذریه مطرح است در حقیقت با حضرت آدم‌علیه السلام صورت گرفته است و وی به عنوان آئینه تمام‌نمای همه خصلت‌ها و استعدادهای بشری تا روز قیامت شمرده می‌شود. لذا از مسائله با وی و استشهاد گرفتن او بر ربوبیت خداوند، تعبیر به مسائله و استشهاد با جمیع بنی آدم شده است (ر.ک: گنابادی، ۱۴۰۸: ۲/۲۱۶-۲۱۷)؛ چنان که در موارد دیگر نیز همچون «آموزش اسماء به حضرت آدم‌علیه السلام» همین استعداد به همه نسل بنی آدم تعمیم داده می‌شود.

در دانش شبیه‌سازی^۲ نیز که به مباحث ژنتیک موجودات زنده می‌پردازد، ثابت شده که یک موجود زنده می‌تواند واجد تمام مشخصات و ویژگی‌های گوناگون

۱. این مشابه دیدگاه سوم است که مدعی بود که مقصود از «ذریّة» هم پدران هستند و هم فرزندان.

2. Cloning.

هم‌نوعان خود باشد (ر.ک: براون، ۱۳۹۳).

۶. فقط زنان

بنا به قول دیگری که در مجمع‌البیان به فردی ناشناخته نسبت داده شده، مقصود از «ذَرِيَّة» در این آیه فقط زنان هستند؛ زیرا آنان کشتزار ذریه‌ها هستند و در حدیث است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از کشتن ذریه‌ها یعنی زنان نهی فرمود. نیز چون زنان ناتوان‌تر از مردان هستند و به سان مردان نیرو و توانایی مسافرت ندارند، لذا مخصوص به حمل شده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۵۶/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۵۴/۴).

۷. فرزندان آدم

صاحب‌التفسیر الکاشف گوید که ضمیر در واژه «لهم» و «ذَرِيَّتَهُم» به فرزندان آدم برمی‌گردد که خداوند را به جهت نعمت‌های بزرگی که به آن‌ها داده است، از جمله نعمت حمل کالاهایشان از سرزمینی به سرزمین دیگر، آن‌هم توسط کشتی به یاد می‌آورند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶؛ نیز ر.ک: نسفی، ۱۳۶۷: ۸۳۳/۲). تفاوت این دیدگاه با دیدگاه دوم در این است که در اینجا منظور صرفاً کودکان و خردسالان نیستند که به خاطر ضعفشان محتاج کشتی بوده‌اند، بلکه مقصود تمام افراد بشر اعم از خردسال و بزرگسال هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از حضرت آدم علیه‌السلام متولد شده‌اند. بنابراین مطابق این دیدگاه، ذریه همه انسان‌ها هستند که در زمان‌های مختلف و مکان‌های متفاوت می‌توانند با استفاده از کشتی‌هایی که خداوند دانش ساخت آن‌ها را به ایشان آموخته، خود و کالاهای سنگینشان را جابه‌جا کنند و این نعمتی بزرگ است.

لذا گفته شده که منظور، جنس بشر در تمامی ازمنه است و اختصاصی به زمان حضرت نوح علیه‌السلام ندارد (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۹۷/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۴-۳۹۵؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۸۱/۱۳؛ فخرالدین رازی، ۱۴۰۴: ۲۸۳-۲۸۴).

۸. تمام جنس بشر در زمان حضرت نوح علیه‌السلام

این دیدگاه بر آن است که به قرینه آیات پیشین و پسین، مراد از «ذَرِيَّة» تمام جنس بشر است. استدلال آن‌ها این است که منظور از ضمیر «هم» در آیه «وَآيَةُ لَهُمْ» خصوص

مخاطبان نیست، بلکه منظور مشرکان مکه می‌باشد (ر.ک: نحاس، ۱۴۲۱: ۲۶۷/۳؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۵۸۰/۳؛ خطیب، ۱۳۸۸: ۹۳۶/۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۱۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۱۹/۵)؛ چه در ماجرای طوفان و باران، تمامی روی زمین را آب در بر گرفت و حتی کوه‌ها زیر آب رفت و اگر کشتی نوح علیه السلام ساخته نشده بود، نسل بشر بلکه نسل حیوانات بَرّی از بین می‌رفت... و این آیت بزرگی بود که توسط این کشتی، نسل بشر و نسل سایر حیوانات تا روز قیامت باقی بماند؛ لذا می‌فرماید: ﴿وَأَيُّكُمْ﴾ یعنی برای تمام جنس بشر.

نکته

لازم به ذکر است که اختلاف پدیدآمده در تفسیر واژه «ذَرِيَّة» صرفاً به آیه مورد بحث محدود نمی‌شود، بلکه در ذیل آیه ۱۷۲ اعراف نیز که واژه «ذَرِيَّتَهُمْ» به کار رفته است، مشکلات بیشتری موجود است؛ چه، مفهوم «ذَرِيَّتَهُمْ» در این آیه نیز به سبب اختلاف نظر مفسران در مورد مکان، زمان و چگونگی اخذ میثاق اقرار به ربوبیت خداوند و اظهار عبودیت بندگان و... در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

تحلیل و بررسی

چنان که ملاحظه شد، دیدگاه مفسران پیرامون مقصود از واژه «ذَرِيَّة» در آیه ﴿حَمَلْنَا ذَرِيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْأَشْهُونِ﴾ متفاوت است. گوینکه این اختلافات در مواردی ناشی از اختلاف نظر مفسران در مورد ریشه واژه «ذَرِيَّة» است. در مورد ریشه این لغت، چندین احتمال مطرح است؛ چنان که با اندک تغییری در ماده اولیه، معنایی متناسب با آن ماده به ذهن خطور می‌کند:

الف) «ذَرَّ» بر وزن «شَرَّ» به معنای مورچه و موجودات بسیار ریز همچون ذرات غبار است. بنابراین ذَرّیه به فرزندان کوچک گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۷) از این نظر که فرزندان انسان نیز در ابتدا از نطفه بسیار کوچکی آغاز حیات می‌کنند. به عبارتی پس از آنکه خداوند حضرت آدم علیه السلام را آفرید، نسل او را نیز به صورت «ذَرَّ» خارج ساخت؛ لذا به آن‌ها ذَرّیه گفته می‌شود.

ب) «ذَرَّءٌ» بر وزن «زَرَعَ» به معنای آفرید (نحاس، ۱۴۰۸: ۳۹۹/۱). بنا بر این معنا، از آنجا که اولاد از آباء خلق می‌شوند و به اعتبار اینکه آباء اصل خلقت اولادند، به آباء ذَرّیه

گفته می‌شود. با توجه به این معنا، مفهوم «ذَرِيَّة» برابر با مفهوم «مخلوق» و «آفریده‌شده» است (خطیب، ۱۳۸۸: ۹۳۶/۱۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۲۸۸/۳-۲۸۹؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸۱/۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۷) لذا به صورت مجازی و بر اساس «علاقة ما يكون» اشاره به ذریه شده است؛ چه، اولاد حقیقتاً در کشتی نبوده‌اند، ولی با وجود آباء در کشتی، گویی آنان نیز بوده‌اند!

ج) «ذَرُو» بر وزن «مَرُو» به معنای پراکنده شدن است (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۳/۳۱۳). برای این فرزندان را ذَرِيَّة گفته‌اند که آن‌ها پس از تکثیر به هر سو در روی زمین پراکنده می‌شوند (همان: ۳/۳۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۷). بر این اساس، واژه «ذَرِيَّة» چه از «ذَر» اشتقاق یافته باشد و یا از «ذَرء» و «ذَرُو»، به ریزی، از نهان برآمدن، رشد یافتن و پراکنده شدن، اشعار و اشاره دارد.

تنوع در قرائت واژه «ذَرِيَّة»

قاریان قرآن نیز درباره قرائت این واژه دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ چه، علاوه بر قرائت معروف (حفص از عاصم)، بر حسب قرائتی دیگر، حرف «ذال» مکسور خوانده می‌شود (ذَرَّيْتَهُمْ). البته این قرائت شاذ قلمداد شده است (بیلی، ۱۹۸۸: ۲۰۵؛ ابن خالویه، ۱۳۹۹: ۳۳۳). نیز اهل مدینه، ابن عامر، یعقوب، سهل، اعمش و ابوجعفر، آن را به صورت «ذَرَّيَاتِهِمْ» بنا بر جمع خوانده‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵۴/۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۶۶/۸؛ عمر، ۱۴۰۸: ۲۰۹/۵). علاوه بر نافع و ابن عامر، عده‌ای دیگر نیز برای تأیید دیدگاه خود مبنی بر اینکه مقصود از «ذَرِيَّة» در آیه مذکور، زنان و فرزندان است، آن را به صورت «ذَرِيَاتِهِمْ» که هم‌وزن «صَبِيَانِهِمْ و نَسَائِهِمْ» است قرائت نموده‌اند (ابوزرعه، ۱۴۱۸: ۶۰۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۱۹/۵؛ شبر، ۱۴۱۲: ۴۱۸).

به زید بن علی و ابان بن عثمان نیز قرائت «ذَرَّيَاتِهِمْ» نسبت داده شده است (عمر، ۱۴۰۸: ۲۰۹/۵)، اما این نظر در تضاد با دیدگاه قاریان برجسته‌ای چون: عاصم، ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کسائی و خلف العاشر است که آن را با حذف «الف» بعد از «یاء» و به فتح «تاء» و به صورت مفرد «ذَرَّيْتَهُمْ» قرائت کرده‌اند (محیسن، ۱۹۹۸: ۳۴۰/۱؛ زیرا کلمه «ذَرِيَّة» در جمع و مفرد به صورت یکسان استعمال می‌شود (همان؛ جوادی آملی،

۱۳۸۹: ۴۲۱/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۸-۳۹۵؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۸۵/۱۶؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۸۱/۵).

مقصود از «ذَرِيَّة» در پرتو دیگر کلمات آیه

با وجود آنچه در زمینه اختلاف قرائت و نیز ریشه واژه «ذَرِيَّة» مطرح شد، همچنان فهم آیه با ابهام و دشواری روبه‌روست و برای رفع مشکل، جستجوی قرائن دیگری لازم است. یکی از این قرائن آن است که مراد از تعبیر «الْفُلُكِ الْمَشْحُونِ» در آیه روشن شود. توضیحات و توجیهات قرآن‌پژوهان در این باره، شاید بتواند در این راستا یاریگر باشد.

ب) مقصود از «الْفُلُكِ الْمَشْحُونِ»

واژه «فُلُك» به معنای دایره و مدار کروی است؛ لذا به مدار ستارگان «فُلُك»، و به کشتی شناور در دریا «فُلُك» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۷۴/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۷۸/۱۰). طبرسی گوید:

«فُلُك» در اصل لغت به معنای «دائرة» است و کشتی را هم به خاطر دور زدن در آب دریا بدین نام خوانده‌اند. چرخ پنبه و پشم‌ریسی را نیز به همین اعتبار «فُلُك» گویند که به صورت دایره است. «فُلُك» برای جمع و مفرد هر دو استعمال می‌شود که در اینجا برای جمع به کار رفته است (۱۳۷۲: ۱۵۲/۵).

تعبیر «الْفُلُكِ الْمَشْحُونِ» علاوه بر آیه مورد بحث، دو بار دیگر نیز در آیات قرآن به کار رفته است:

۱. ﴿فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فِي الْفُلُكِ الْمَشْحُونِ* ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ﴾ (شعراء/ ۱۱۹-۱۲۰) که به روشنی مقصود از آن، کشتی حامل حضرت نوح عليه السلام است. البته ماجرای نجات حضرت نوح عليه السلام و یارانش با کشتی در آیات دیگری نیز مطرح شده است (ر.ک: اعراف/ ۶۴؛ یونس/ ۷۳).

۲. ﴿وَإِنْ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلُكِ الْمَشْحُونِ﴾ (صافات/ ۱۳۹-۱۴۰) که مقصود از آن، کشتی حامل حضرت یونس عليه السلام است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، ترکیب «الْفُلُكِ الْمَشْحُونِ» بر خلاف استعمال آن

در دو مورد بالا که مصداق روشنی دارد و اختلافی بین مفسران نیست، در آیه مورد بحث دچار اختلاف است و دو دیدگاه مختلف درباره آن مطرح است که البته پذیرش هر یک موجب طرح تفسیری ویژه از آیه می شود. در ادامه به بررسی این دو دیدگاه می پردازیم:

۱. کشتی حضرت نوح عليه السلام

برخی گفته اند که منظور از «حمل ذَرِيَّة در فلک مشحون» این است که خداوند ذَرِيَّة بشر را که در زمان حضرت نوح عليه السلام می زیستند با کشتی ای که به امر خداوند و به دست حضرت نوح عليه السلام ساخته شد، نجات داد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۵۱۵/۶؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۲۲۳/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۵؛ نسفی، ۱۳۶۷: ۸۳/۲؛ حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷/۲۳؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۱۹/۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲۴/۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸۱/۱۱). به عبارت دیگر، کشتی حضرت نوح عليه السلام که پر از افراد مؤمن و مایحتاج آنان بود، پس از غرق شدن کافران و مشرکان، با ایمنی تمام بر ساحل نجات فرود آمد. لذا از نسل آنها، انسان های بسیاری به وجود آمدند. بدین سان خداوند در این آیه، پدران را «ذَرِيَّة» نامید که از «ذراء» به معنای آفریدن است؛ چه، اولاد از ایشان خلق شده اند.

۲. مطلق کشتی

بر اساس این تفسیر، منظور از «ذَرِيَّتِهِمْ» نوع بشر در تمام ازمنه است (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۹۷۰/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۸-۳۹۵؛ خطیب، ۱۳۸۸: ۹۳۶/۱۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۱۶/۲؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۸۶/۱۶؛ مراغی، بی تا: ۱۵/۲۳؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۵۰/۱۹؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۵۸۰/۳).

تحلیل و بررسی

از مبحث پیشین به دست آمد که تعداد قابل توجهی از مفسران، مراد از «الْفُلْكَ الْمَشْحُون» را در آیه ۴۱ سوره یس، کشتی حضرت نوح عليه السلام دانسته اند. لکن پذیرش این تفسیر با دشواری هایی مواجه است، زیرا:

اولاً: در آیات قرآن واژه «فُلْكَ» هم برای اشاره به کشتی نوح عليه السلام استفاده شده و

هم برای اشاره به نوع کشتی (برای نمونه، ر.ک: بقره/ ۱۶۴؛ یونس/ ۲۲؛ ابراهیم/ ۳۲).

ثانیاً: همان طور که برخی مفسران گفته‌اند، اگر مراد از «آیه» در آیات پیش از آیه مورد بحث، یعنی آیات «وَأَيُّهُمْ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ» (یس/ ۳۳) و «وَأَيُّهُمْ اللَّيْلُ نَسُخَ مِنْهُ النَّهَارُ» (یس/ ۳۷)، علائم و آیات ربوبیت و توحید خداوند باشد - که چنین است -، آن وقت مراد از «الفلك المشحون» مطلق کشتی خواهد بود، نه یک کشتی خاص؛ لذا مفسرانی چون سید بن قطب و مکارم شیرازی معتقدند که این آیه نیز همچون آیات پیش از خود، در راستای بیان عظمت ربوبیت و قدرت خداوند به خاطر حرکت کشتی‌ها در دل اقیانوس‌هاست که این حرکت بی‌شبهت به حرکت کواکب آسمان در اقیانوس فضا نیست (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۹۷/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۵/۱۸). بر این اساس مفهوم آیه «وَأَيُّهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ» چنین است: «از نشانه‌های عظمت پروردگار برای مردم این است که خداوند افراد بشر و وسایل و ابزار زندگی آن‌ها را با کشتی‌ها جابه‌جا می‌کند». لذا در این آیه، تعبیر «مشحون» اشاره به این دارد که نه تنها خداوند انسان‌ها را با کشتی جابه‌جا می‌کند، بلکه مال‌التجاره و وسایل مورد نیاز آن‌ها را نیز با آن حمل و جابه‌جا می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۵/۱۸).

علامه طباطبایی نیز تفسیری مشابه از این آیه دارد و می‌گوید:

این آیه شریفه، بیانگر آیتی دیگر از آیت‌های ربوبیت خدای تعالی است و آن عبارت است از جریان تدابیر او در دریاها که ذریه بشر را در کشتی حمل می‌کند و کشتی از آنان و از اثاث و کالای آنان پر می‌شود و از یک طرف دریا به طرف دیگر دریا عبور می‌کنند و دریا را وسیله و راه تجارت و سایر اغراض خود قرار می‌دهند. آری، کسی جز خدای متعال آنان را در دریا حمل نمی‌کند و از خطر غرق حفظ نمی‌کند؛ چون تمامی آثار و خواصی که بشر در سوار شدن به کشتی از آن استفاده می‌کند، همه از اموری است که خدا آن را مسخر انسان نموده است و همه به آفرینش خدا منتهی می‌گردد. علاوه بر این، اگر این اسباب به خدا منتهی و مرتبط نشود، هیچ اثر و خاصیتی نخواهد داشت. لذا اگر حمل بر کشتی را به ذریه بشر نسبت داد، نه به خود بشر، و اگر فرمود: «حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ» و نفرمود: «حَمَلْنَاهُمْ» برای آن بوده تا بدین وسیله محبت و شفقت شنونده را برانگیزد (۱۳۸۲: ۹۱/۱۷-۹۲).

بدین سان سیاق آیه مورد بحث - همچون آیات پیشین - سیاق برشمردن نعمت‌های

الهی و نشان دادن قدرت خداوند در شناور کردن ستارگان و کواکب در افلاک و آسمان‌ها و شناور کردن کشتی‌های حامل فرزندان آدم در دریاها و اقیانوس‌هاست.

ثالثاً: در آیات قرآن کریم بارها به آفرینش کشتی به عنوان یکی از نعمت‌های قابل توجه الهی برای بشر اشاره شده و از آن‌ها دعوت به تفکر و تأمل در این نعمت شده است (برای نمونه، ر.ک: بقره/ ۱۶۴؛ یونس/ ۲۲؛ ابراهیم/ ۳۲؛ لقمان/ ۳۱). لذا در این آیه نیز فلک به عنوان وسیله‌ای برای حمل فرزندان مطرح شده تا انسان‌ها از رهگذر عقل و عاطفه به شناخت این نعمت الهی راه یابند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶).

بر این اساس، مقصود از آیه «وَأَيُّهُمْ أَتَأْمَلُونَ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمُسْجُونِ» با توجه به آیه بعد از آن: «وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ» (یس/ ۴۲)، این است که خداوند نه تنها کشتی‌ها را مرکب نوع بشر قرار داده، بلکه مرکب‌های فراوان دیگری نیز برای بشر آفریده یا در آینده خواهد آفرید (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۸۶/۱۶). لذا مقصود از «الْفُلِّ» در آیه مورد بحث، همه کشتی‌هایی هستند که در دریاها روان‌اند، نه صرف کشتی حضرت نوح علیه السلام.

رابعاً: «ال» در «الْفُلِّ» برای جنس است. بنابراین منظور از آن، کشتی خاصی نیست؛ چه اگر «ال» برای تعریف باشد، این پرسش پیش می‌آید که منظور از نشانه بودن کشتی حضرت نوح - آن هم تا روز قیامت - برای کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند، چیست؟ با دقت نظر در آیات پیشین و ملاحظه فراز «بِأَحْسَرَةٍ عَلَى الْعِبَادِ» (یس/ ۳۰) که بلافاصله بعد از آن، آیات «وَأَيُّهُمْ الْأَرْضُ...» (یس/ ۳۳) و «وَأَيُّهُمْ اللَّيْلُ...» (یس/ ۳۷) و «وَأَيُّهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ...» آمده است، می‌توان گفت که ضمیر در هر دو موضع - آیات پیشین و آیه مورد بحث - به اشخاصی معین (مثلاً کسانی که در کشتی نوح علیه السلام بودند) باز نمی‌گردد؛ بلکه می‌توان گفت که به قرینه تغلیب، ضمیر در همه آن آیات که به یکدیگر معطوف‌اند، به بندگان برمی‌گردد که آیات الهی برای آن‌ها یادآوری شده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۳/۲۶-۲۸۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۲/۲۲).

نیز از سویی - همان گونه که پیشتر آمد - برخی از مفسران، مقصود از واژه «ذُرِّيَّة» را در آیه مورد بحث، نوع بشر و همه فرزندان حضرت آدم علیه السلام - که شامل همه خلایق می‌شود - دانسته‌اند (ر.ک: نسفی، ۱۳۶۷: ۸۳۳/۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۰۴: ۲۸۳/۲۶-۲۸۴؛ سید بن قطب،

۱۴۱۲: ۲۹۷/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۴-۳۹۵؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۳/۳۸۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۱۶/۶.

بر این اساس می‌توان گفت که بین محور و محتوای اصلی سوره مبارکه «یس» با داستان طوفان حضرت نوح علیه السلام هیچ گونه سنخیتی مشاهده نمی‌شود، چنان که آیه الله جوادی آملی می‌گوید:

سوره مبارکه «یس» در مکه نازل شده؛ لذا عناصر محوری سوره مکی، یعنی اصول دین و خطوط کلی فقه و اخلاق و حقوق، مسئله توحید و معاد و وحی و نبوت به صورت نکات اصلی در آیات گوناگون آن ذکر شده است. هر کدام از این آیات، هم مبدأ را ثابت می‌کنند و هم توحید مبدأ را (سایت اسراء، مجموعه دروس تفسیر، سوره یس، جلسات ۱۰ و ۱۱ با اندکی تصرف).

مؤلف تفسیر الفرقان نیز آیات مورد بحث را پیرامون محور مبدأ و معاد می‌داند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۶۵/۲۵).

بدین سان می‌توان گفت که اگر مراد از آیه **﴿وَأَيُّهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمُنْجُونَ﴾** ماجرای طوفان حضرت نوح علیه السلام بود، این آیه نمی‌توانست دلیل و نشانه‌ای برای اثبات مبدأ و معاد که محور اصلی سوره یس است، باشد؛ چرا که این امر از امور گذشته و غیبی به شمار می‌آید و در دسترس مخاطبان زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و افراد پس از آنها قرار نداشته است، لذا نمی‌تواند از آیات دلالت‌کننده بر مبدأ و معاد به شمار آید؛ چه خداوند عمدتاً موضوع مهم مبدأ و معاد را از طریق معرفی آیات محسوس و ملموس، مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.

بر این اساس، این احتمال که آیه دارای ایهام باشد و همزمان هم شامل کشتی نوح علیه السلام شود و هم نوع کشتی را در بر گیرد، نمی‌تواند استوار باشد.

بررسی آیه در ترجمه‌های قرآن

الف) ترجمه‌های فارسی

بررسی ترجمه‌های صورت گرفته از آیه ۴۱ یس، بیانگر آن است که بیشتر آن‌ها خالی از

کاستی و نارسایی نیست؛ چنان که گاه واژه «ذریه» با واژگانی غریب و یا با آمیخته‌ای از واژگان عربی و فارسی، به فارسی ترجمه شده است. همچنان که گروهی از مترجمان تسلیم دشواری آیه شده و نخواستند یا نتوانسته‌اند ترجمه‌ای مناسب و متناسب از آن ارائه دهند. بنابراین در ترجمه فارسی، یا واژگان آیه را بدون تغییر به کار برده و یا از عبارات عربی مشابه استفاده نموده‌اند. در تعدادی از ترجمه‌های انگلیسی مورد کاوش نیز اشکالاتی در خور توجه وجود دارد.

برای مثال در سه ترجمه «حلبی، رهنما و انصاری»، واژه «ذَرِيَّة» ترجمه نشده و «الْفُلُكُ الْمُشْحُون» نیز به کشتی گرانبار ترجمه شده که نامفهوم و مبهم است و مقصود از آیه را به روشنی در اختیار مخاطب قرار نمی‌دهد.

در سه ترجمه «آیتی، برزی و فولادوند» نیز «ذَرِيَّة» و «الْفُلُكُ الْمُشْحُون» به ترتیب به «نیاکان» و «کشتی انباشته» ترجمه شده است که پیشتر مشکل این برداشت از آیه مطرح گردید.

در ترجمه‌های «الهی قمشه‌ای، اشرفی، مکارم شیرازی و...»، «ذَرِيَّة» و «الْفُلُكُ الْمُشْحُون» به «فرزندان» و «کشتی پرشده» ترجمه شده که این ترجمه نیز به خاطر مجمل و موجز بودن، دارای کاستی و نارسایی است؛ زیرا مشخص نیست که مقصود از سوار شدن افراد در کشتی پرشده چیست؟ آیا مقصود سوار شدن به کشتی در ماجرای طوفان حضرت نوح است یا منظور جریان مستمر این سوار شدن در طول حیات انسان است؟

در ترجمه‌های «پاینده، فیض الاسلام، بروجردی، رضایی، ارفع، یاسری و...»، «ذَرِيَّة» و «الْفُلُكُ الْمُشْحُون» به «نسل یا نژاد» و «کشتی پر(بار)» ترجمه شده است که ظاهراً با سیاق آیه سازگار نیست.

در ترجمه «دهلوی» نیز که «ذَرِيَّة» و «الْفُلُكُ الْمُشْحُون» به ترتیب به «قوم بنی آدم» و «کشتی پرکرده» ترجمه شده، هیچ درک درست و روشنی به مخاطب داده نمی‌شود! ترجمه «ذَرِيَّة» به «همنوعان» نیز توسط خانم «صفارزاده» ترجمه‌ای دقیق و استوار به نظر نمی‌رسد.

ب) ترجمه‌های انگلیسی

با بررسی برخی از ترجمه‌های انگلیسی مانند «شاکر، آیروینگ، آربری، محمد و سمیرا و ترجمه مترجمان» مشخص شد که این مترجمان نیز به تبعیت از ترجمه‌ها یا تفاسیر اندیشمندان مسلمان، دو واژه «ذَرِيَّة» و «الْفُلْکُ المَشْحُون» را تقریباً به سان ترجمه‌های فارسی ارائه داده‌اند و نکته جدیدی در آن‌ها دیده نمی‌شود. نویسنده برای آیه شریفه ﴿وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ ترجمه ذیل را پیشنهاد می‌دهد:

و برای آنان [= انسان‌ها] نشانه‌ای دیگر از ربوبیت ما این است که ما نوع انسان‌ها را در کشتی انباشته [از بار و مسافر] سوار نموده، [مانع فرو رفتن کشتی به زیر آب می‌شویم].

نتیجه‌گیری

۱. آیه مورد بحث، به سان آیات هم‌سیاق خود که به آیات و نشانه آفرینش و قدرت خداوند اشاره دارند، نعمت تسخیر دریاها و کشتی‌ها برای انسان را یادآور شده که نشانه حاکمیت و ربوبیت مستمر خداوند حکیم بر جهان هستی است. به همین دلیل، تمام افعال این سیاق دلالت بر استمرار دارند.
۲. بر اساس آنچه گفته شد، مقصود از «الْفُلْکُ المَشْحُون»، نه کشتی حضرت نوح علیه السلام بلکه نوع کشتی است که در دریاها و اقیانوس‌ها روان‌اند و کشتی حضرت نوح علیه السلام نیز تنها یکی از مصادیق آن می‌باشد.
۳. بدین سان منظور از «ذَرِيَّة» نیز صرف پدران، یا پدران و فرزندان، یا فرزندان و زنان و... نیستند؛ بلکه منظور تمامی افراد بشرند که از آغاز تا پایان دنیا برای مسافرت یا جابه‌جایی کالا از کشتی استفاده می‌کنند.

کتاب‌شناسی

۱. ابن خالویه، حسین بن احمد، *الحجة فی القراءات السبع*، تحقیق عبدالعال سالم مکرم، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۹ ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویز*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصحی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابوزرع، عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، *حجة القراءات*، تحقیق سعید افغانی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۸ ق.
۷. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۸. بانوی اصفهانی، سیده نصرت‌امین، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۹. براون، تی. ای.، *درآمدی بر DNA و کلون ژن*، ترجمه حسین رضوان، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. بروجردی، سیدمحمدابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، صدر، ۱۳۶۶ ش.
۱۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. بیلی، احمد، *الاختلاف بین القراءات*، بیروت، دار الجیل، ۱۹۸۸ م.
۱۴. ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ق.
۱۵. جواد آملی، عبدالله، *تسبیم تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. حسینی آلوسی، شهاب‌الدین محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، *انوار درخشان*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتاب‌فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. خطیب، عبدالکریم، *التفسیر القرآنی للقرآن*، قاهره، دار الفکر العربی، ۱۳۸۸ ق.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت - قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.

۲۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. شبّر، سیدعبدالله، *تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبّر)*، بیروت، دار البلاغة للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۲۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه و تحقیق محمد واعظزاده خراسانی، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۲۹. همو، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۲ ش.
۳۰. عمر، احمد مختار و عبدالعال سالم مکرم، *معجم القراءات القرآنیة*، کویت، مطبوعات جامعة کویت، ۱۴۰۸ ق.
۳۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۳۳. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، *التفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۳۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۳۶. کاشانی، ملافتح‌الله بن شکرالله، *زبدة التفاسیر*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۳۷. گنابادی، سلطان محمد، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادہ*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
۳۸. محسن، محمد سالم، *القراءات و اثرها فی علوم العربیة*، بیروت، دار الجیل، ۱۹۹۸ م.
۳۹. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۴۱. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۴۲. مقدسی دمشقی، ابوشامة شهاب‌الدین عبدالرحمن بن اسماعیل بن ابراهیم، *ابزار المعانی من حرز الامانی فی القراءات السبع*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۴۴. میدی، ابوالفضل رشیدالدین احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۴۵. نجفی خمینی، محمدجواد، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.
۴۶. نحاس، احمد بن محمد، *اعراب القرآن*، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۴۷. همو، *معانی القرآن الکریم*، تحقیق محمد علی صابونی، مکه، مرکز البحوث العلمیه و احیاء التراث الاسلامی بجامعة أم القرى، ۱۴۰۸ ق.
۴۸. نسفی، ابوحفص نجم‌الدین عمر بن محمد، *تفسیر نسفی*، تحقیق عزیزالله جوینی، تهران، سروش، ۱۳۶۷ ش.